خیلی دور خیلی نزدیک

گودرز مهربان

نگاهی به فیلم عصر جمعه به کارگردانی مونا زندی
جمعه خاکستری

مونا زندی چون دیگر فیلمسازان زن مضمونی انتقادی- اجتماعی را برای اولین ساخته سینمایی‌اش انتخاب کرده است. کاراکتر اصلی «عصر جمعه» سوگند/ شقایق نماینده زنانی است که در برهه‌ای از زمان طعمه ناهنجاری‌های اجتماعی بوده‌اند و در این راه از تمام مواهب نامبارک آن چون فرار و در نهایت زندان بی‌نصیب نمانده‌اند. این کارگردان با توجه به محدودیت‌های جاری در اجرای سوژه‌ای چنین حساسیت‌برانگیز و امکان متهم شدن به عقاید فمینیستی و شعارزدگی راهی سخت و پرفراز و نشیب را برای اولین تجربه فیلم بلندش برگزیده است. فیلم از دو منظر روایت می‌شود؛ از یک سو زندگی سوگند که با تابویی به نام زنِ تنها دست به گریبان است و همین طور رابطه‌ای عاطفی که با مصائبی همراه می‌شود و باز در این بین تضاد و تقابلی که با پسر نوجوان عصیانگر و سرکش‌اش پیش می‌آید. از سوی دیگر خواهر کوچک‌تر سوگند، بنفشه است که در پی خواهر رانده‌شده و گمشده‌اش می‌گردد تا او را به نزد پدر بیمار و پشیمان بازگرداند.

سبک کار و نوع نگاه زندی به این مقوله بی‌شباهت به سینمای رخشان بنی‌اعتماد نیست و عنوان‌بندی فیلم این ادعا را تایید می‌کند. رخشان بنی‌اعتماد مشاور کارگردان بوده و جهانگیر کوثری عنوان تهیه‌کننده را داراست و فرید مصطفوی فیلمنامه‌نویس اغلب آثار بنی‌اعتماد فیلمنامه «عصر جمعه» را نوشته است. پیش از هر چیز بگوییم این موارد امتیاز منفی‌ای برای اثر او نخواهد بود. زندی سال‌ها دستیار بنی‌اعتماد و کیانوش عیاری و همچنین منیژه حکمت بوده و همکاری با چنین تیم حرفه‌ای در«عصر جمعه» دور از تصور نیست. داستان زنان تنها و تک‌سرپرست خانواده و معضلات آنان با فرزندان‌شان بارها در سینما دستمایه قرار گرفته است که از آن جمله باز می‌توان به «بانوی اردیبهشت» رخشان بنی‌اعتماد اشاره کرد. اما نکته‌ای که باعث متمایز شدن فیلم «عصر جمعه» از دیگر آثار می‌شود، پرداخت بی‌پروا و ارائه درست کاراکتری است که زندی ارائه می‌دهد. شخصیت‌پردازی درست سوگند با نوع پوشش و لحن بیانش، او را یک پله بالاتر از دیگر کاراکترها قرار می‌دهد. صندلی که می‌پوشد، دامن طرح‌دار بلند، نحوه آدامس جویدن و راه رفتن او دقیقاً مابه‌ازای بیرونی دارد. زندی دوربین خود را به مکان‌هایی می‌برد که پیش از این در سینمای پس از انقلاب سابقه نداشته است. فلاش‌بک‌هایی که در سیاهی محض و تنها با صدا به تصویر درمی‌آیند یکی از بهترین اتفاق‌های فیلم است؛ موردی که سال‌ها بعد مانی حقیقی در فیلم «کنعان» از آن بهره برد. رویا نونهالی یکی از بهترین بازی‌های کارنامه هنری‌اش را ارائه می‌دهد. تمام درد و پریشانی و دغدغه‌های زنانه سوگند را می‌توان در بازی او دید؛ چه آنجا که در مقابل رئیس مدرسه روسری‌اش را به سختی گره زده تا بتواند رضایت او را برای ثبت نام کسب کند یا سکانس تکان‌دهنده بازگویی روز حادثه که بی‌شباهت به اعتراف فی داناوی در «محله چینی‌ها»ی رومن پولانسکی نیست. یکی از بازی‌های ضعیف فیلم را هانیه توسلی ارائه داده است. او هیچ چیز به کاراکتر خود اضافه نمی‌کند. در سکانس‌هایی که بار عاطفی بالایی دارند کاملاً در مقابل بازی حساب‌شده نونهالی یا حتی مهرداد صدیقیان خنثی ظاهر می‌شود. سیری را که بنفشه با بازی او برای پیدا کردن سوگند طی می‌کند و مواجهه‌اش با مردان کاسب‌مسلک و منفعت‌طلب کمک زیادی به ترسیم کاراکتر و موقعیت سوگند می‌کند اما موقعیت اجتماعی خانواده سوگند و حتی مشکلاتی که او با امید پسرش دارد به خوبی در فیلمنامه کار نشده است و این مساله باعث می‌شود فیلم از این حیث خام بنماید. «عصر جمعه» از تمام مولفه‌های دراماتیک برخوردار است اما در سکانس‌های نهایی از این بابت دچار فقر می‌شود. نحوه‌ای که امید از طریق سوژه تکراری «در نیمه‌باز» پی به واقعیت زندگی‌اش می‌برد و آن فریادهای کنار اتوبان و صحبت نهایی «بنفشه» با او از بار دراماتیک و ضرباهنگی که فیلم بر آن بنا شده بود، می‌کاهد و چه بسا گاهی اوقات پس‌زننده هم می‌شود. «عصر جمعه» را بار نخست در جشنواره بیست و چهارم فجر دیدم. پیش از دیدار مجدد، سوالی رهایم نمی‌کرد؛ آیا سوژه و مضمون تازه و گیرای فیلم توانسته طراوت و بکری‌اش را پس از این زمان به نسبت طولانی که از ساخت آن می‌گذرد حفظ کند؟ اما با تماشای دوباره فهمیدم «عصر جمعه» آنقدر توانایی و تازگی دارد که بتواند تا سال‌ها مخاطب جدید کسب کند.

پرده نقره‌ای

آدمکش

کارگردان: رضا کریمی / **بازیگران:** بهرام رادان، مهتاب کرامتی، حامد بهداد، لیلا اوتادی، قطب‌الدین صادقی، افسانه بایگان

روانشناسی درگیر یک ماجرای متفاوت می‌شود. دوست قدیمی او سراغش می‌رود، در حالی که نامزد دوستش به یک قتل متهم است.

دیگری

کارگردان: مهدی رحمانی / **بازیگران:** مریلا زارعی، محمدرضا فروتن

اولین تجربه کارگردانی مهدی رحمانی این روزها در چند سینما اکران می‌شود. فیلم که در فضایی روستایی می‌گذرد درباره رابطه‌ای است بین یک پسر کوچک که پدرش را از دست داده با مردی که فکر می‌کند می‌تواند پدر خوبی برای او باشد. اما این بار شکل ماجرا به گونه‌ای دیگر است.

خاطره

کارگردان: نادر طریقت/ **بازیگران:** مهناز افشار، پژمان بازغی

خاطره روایت مادری است که در پی آزار و اذیت فرزندش از سوی همسر دوم درگیر مشکلاتی می‌شود، در حالی که حقیقت داستان با آنچه دیده می‌شود، متفاوت است. این فیلم در مورد یک نویسنده است که یک حادثه، زندگی او را تغییر می‌دهد.

عروسک

کارگردان: ابراهیم وحیدزاده/ **بازیگران:** حسام نواب‌صفوی، لیلا اوتادی، بهاره رهنما، علیرضا خمسه، بهنوش بختیاری

وحیدزاده که ساخته‌های قبلی او نیز در ژانر طنز بود اینک هم به این روند ادامه داده است. زن جوانی به نام فرشته وارد شرکتی می‌شود که فضایی شبیه فضای آلیس در سرزمین عجایب را دارد و رئیس‌اش خسرو در اولین دیدار مدعی می‌شود او ۲۵ سال از عمرش را به جست‌وجوی شخصیتی نظیر فرشته سپری کرده است و دیگر او را از دست نخواهد داد. قرار است این فیلم از این هفته اکران شود.

خاله سوسکه

کارگردان: نادر ترکمان / **بازیگران:** سحر ولدبیگی، علی سلیمانی

این فیلم حکایت افسانه خاله‌سوسکه را از اولین روایت چاپی تا امروز دربرمی‌گیرد. این فیلم برای کودکان و نوجوانان است.

در آستانه سال نو میلادی؛ بررسی حضور ارامنه در سینمای ایران

کاشفان فروتن سینما

هنرمندان و متخصصان فنی ارامنه سهم بسزایی در گسترش و تعمق هنرهای نمایشی به ویژه سینما در تاریخ معاصر ایران دارند. نقش ارامنه در ورود، راه‌اندازی و گسترش وسایل و ادوات و تجهیزات فیلمسازی در سال‌های اولیه ورود سینما به کشور از یک سو و حضور فعال و گسترده و تاثیرگذار آنها از سوی دیگر در تعمیق فرآیند سینما در حیطه‌های مضمونی و فنی که حاصل ارتباط تنگاتنگ ارامنه با اندیشه‌های مدرن هنرهای نمایشی اروپا و جهان در ۵۰ سال اول و حضور سینما در ایران است از جنبه‌های قابل بررسی تاثیرات هنرمندان ارمنی در تاریخ سینمای ایران محسوب می‌شود.

ساموئل خاچیکیان در پشت صحنه یکی از فیلم‌های خود به همراه گروهش که اکثراً ارمنی هستند

علیرضا محمودی

مهم‌ترین خصیصه حضور ارامنه در سینمای ایران رویکرد فنی آنها به سینماست. در جامعه معاصر ایران حتی پس از تغییرات فراوان که در روش‌ها و منش‌های شهرنشینی به وجود آمده است، ارامنه هنوز در اذهان مردم ایران به عنوان متخصصان فن‌آشنا که در کار خود مهارت و صداقت قابل توجهی دارند، شناخته می‌شوند. این ویژگی ارامنه باعث شده در تاریخ پس از مشروطه هرگاه سرفصل تازه‌ای از ورود تکنولوژی‌های جدید گشوده می‌شود یا ابزار فنی تازه‌ای وارد می‌شود، حضور ارامنه چشمگیر و نقش آنها فعال و تاثیرگذار باشد. علت فن‌گرایی ارامنه، چه ارامنه مهاجر و چه ارامنه ساکن ایران، در ارتباط تنگاتنگ آنها با کشورهای پیشرفته به ویژه اروپایی بود. ارامنه با توجه به زمینه‌های مساعد ایران برای ورود تکنولوژی‌های کاربردی پیشگامان ورود و راه‌اندازی به ویژه تعمیر و نگهداری وسایل پیشرفته صنعتی محسوب می‌شوند. در زمینه هنرهای نمایشی و سینما نیز هنرمندان ارامنه بیشترین سهم را در گسترش جلوه‌های مدرن هنرهای نمایشی، تئاتر و سینما در جامعه داشتند. این گسترش را هم در بعد اجتماعی و جا انداختن مولفه‌های مدرن تئاتر و سینما و هم در آموزش و رواج روش‌های ساخت و تولید نمایش و فیلم به هنرمندان ایرانی به صورت مستقیم و غیرمستقیم می‌توان مشاهده کرد. همچنین چند چهره شاخص ارمنی در سینمای ایران به عنوان کارگردان و بازیگر علاوه بر نقش‌های فنی و آموزشی توانستند به عنوان معروف‌ترین هنرمندان زمان خود توجه عمومی فراوانی را به سوی خود جلب کنند، به طوری که موفقیت آنها در این حیطه در دوران خود بی‌نظیر و در برخی موارد کم‌نظیر است. راز موفقیت ارامنه در سینمای ایران در کنار توجه آنها به امور فنی و کارشناسی در مقطع تاریخی که استودیوها و سالن‌های سینما به شدت نیازمند کارشناسان فنی بودند و همچنین موفقیت هنرمندان ارمنی در جلب و جذب افکار عمومی و تماشاگران به فعالیت‌های خود دلیل دیگری نیز دارد. اقلیت مذهبی ارمنی در ایران سابقه سال‌ها زندگی و همزیستی با اکثریت مسلمان را دارد. این سابقه باعث نزدیکی دیدگاه‌های اجتماعی، انس فراوان و درک متقابل است. مردم ارمنی که در ایران زندگی می‌کنند، به شدت به کشورشان علاقه‌مند هستند و علاقه‌مندی را می‌توان در چهره تاریخ حضور ارامنه در سینمای ایران به وضوح مشاهده کرد. هنرمندان فرهیخته ارمنی چون هر ایرانی فرهیخته دیگر هدفی جز خدمت به فرهنگ ایران نداشتند و این درآمیختگی رمز اصلی حضور تداوم ارامنه در فرهنگ ایران‌زمین محسوب می‌شود. نکته دیگر کاهش چشمگیر ارامنه و متخصصان ارمنی در فعالیت‌های سینمای ایران طی چند دهه اخیر است. البته کاهش دلایل گوناگون دارد که نیازمند بررسی علمی جامعه‌شناسانه است. هم‌اکنون عمده فعالیت‌های سینمایی ارامنه به فعالیت‌های چند بازیگر و یک تدوینگر محدود می‌شود که با توان موجود و زمینه‌های ازدست‌رفته ما را نیازمند بازنگری مجددی در این باره می‌کند. واقعاً چرا حضور پرشور و تاثیرگذار ارامنه در سال‌های آغازین سینما، اکنون به حد بیرنگی رسیده است؟ در این نوشته سعی شده چند چهره برجسته ارمنی در تاریخ سینمای ایران بار دیگر معرفی شوند. این معرفی بیشتر با هدف برجسته کردن جایگاه و نقش این هنرمندان در دوران خود و همچنین فعالیت‌های آنها انجام می‌شود، نه هیچ طبقه‌بندی یا ارزشگذاری دیگر.

پیشگامان سینما: اوانس اوگانیانس

اوانس اوگانیانس یک مهاجر ارمنی از ارمنستان است که همراه دخترش در سال ۱۳۰۸ وارد ایران می‌شود. او در میان پیشگامان سینمای ایران دو نقش مهم و چشمگیر دارد. نقش اول راه‌اندازی مدرسه آرتیستی سینماست. این مدرسه از تاریخ ۲۶ فروردین ۱۳۰۹ رسماً به جذب و آموزش علاقه‌مندان به سینما می‌پردازد. نقش دوم اوگانیانس راه‌اندازی رسمی تولید فیلم در سینمای ایران است. تا پیش از «آبی و رابی» (۱۳۰۹) و «حاجی آقا آکتور سینما» (۱۳۱۱) مجموعه سینمای ایران تنها صاحب سالن‌هایی برای نمایش آثار سینمایی خارجی بود.با توجه به این دو ویژگی اوگانیانس را می‌توان از مهم‌ترین و تاثیرگذارترین چهره‌های سینمایی در دوره اول سینمای ایران پس از میرزاابراهیم‌خان فراش‌باشی و میرزاابراهیم‌خان صحاف‌باشی به عنوان اولین چهره‌های سینمایی کشور دانست. دقت در زندگی و تلاش‌های اوگانیانس در مسیر راه‌اندازی مدرسه آرتیستی که در دو دوره به تربیت هنرجویان پرداخت و همچنین تلاش‌های او در ساخت فیلم‌های «آبی و رابی» و «حاجی آقا آکتور سینما» یک نکته را به روشنی مشخص می‌کند که اوگانیانس از عهده مشکلات و تنگناهای راه‌اندازی اولیه یک صنعت به شدت دلبسته به فرهنگ به خوبی برآمده است. گرچه او نتوانست جایگاه خود را پس از حضور سپنتا و تولیدات ناطقی چون «دختر لر» (۱۳۱۱) حفظ کند، اما اهمیت اوگانیانس علاوه بر پیشگامی در راه‌اندازی آموزش و تولید در صنعت سینما در کشور معطوف به شخصیت اوست. سختکوشی برای فرهنگ‌سازی پیرامون سینما در سال‌های اولیه از اوگانیانس یک چهره کاملاً مقبول در تاریخ سینمای ایران ساخته است. گرچه او هیچ‌گاه زبان فارسی را به خوبی تکلم نکرد اما توجه او به مقوله برخورد سنت و تجدد در فیلم «حاجی آقا آکتور سینما» به نوعی نشان‌دهنده این است که او پرده‌بردار بزرگ‌ترین مناقشه فرهنگی تاریخ معاصر ایران در سینما طی سال‌های پس از خود نیز محسوب می‌شود.

تهیه‌کنندگان: ژوزف واعظیان

تئاتر ارامنه در دهه‌های ۳۰ و ۴۰ خاستگاه اغلب هنرمندان ارمنی جریان‌ساز سینمای ایران محسوب می‌شود. ژوزف واعظیان، آرامائیس آقامالیان، آرمان و ساموئل خاچیکیان از عمده هنرمندان مطرحی بودند که فعالیت فرهنگی خود را از صحنه تئاتر ارامنه آغاز کردند. ژوزف واعظیان با تاسیس آژیر فیلم در سال ۱۳۳۷ با همکاری خاچیکیان و دکتر شاهرخ رفیع در میان تهیه‌کنندگان ارمنی یک چهره شاخص محسوب می‌شود. آژیر فیلم در طول فعالیت ۱۳ ساله خود در کنار تولید فیلم‌های مهم خاچیکیان در طول سال‌های ۱۳۷۷-۱۳۵۰ یکی از دفاتر مهم تولید فیلم در دهه ۴۰ محسوب می‌شود. واعظیان به عنوان تهیه‌کننده فیلم‌های مهم خاچیکیان چون «توفان در شهر ما» (۱۳۳۷)، «یک قدم تا مرگ» (۱۳۴۰)، «دلهره» (۱۳۴۱) و «ضربت» (۱۳۴۵) نقش عمده‌ای در جذب مخاطبان بی‌شمار به سینمای ایران در طول این سال‌ها دارد. خاچیکیان در این دفتر اولین آنونس‌های سینمای ایران برای نمایش در سینماها را تولید می‌کند. در آژیرفیلم، آثار پرمخاطبی چون «توفان در شهر ما» و «یک قدم تا مرگ» تولید می‌شود و از همه مهم‌تر، بزرگ‌ترین هدیه ژوزف واعظیان به سینمای ایران رابایدترغیب حضور خاچیکیان به کارگردانی دانست. دفتر آژیر فیلم در سال ۱۳۵۰ پس از تولید مبارزه با شیطان که واعظیان خود آن را کارگردانی کرده بود، تعطیل شد.

کارگردانان: ساموئل خاچیکیان، آربی آوانسیان، واروژ کریم‌مسیحی

بررسی کارنامه فعالیت‌های کارگردانی سه کارگردان شاخص ارمنی سینمای ایران ما را به یک نکته روشن می‌رساند که تقابل دیدگاه‌های دو نسل از هنرمندان ارمنی، تفاوت دیدگاه صنعتی به سینما با دیدگاه هنری و صرفاً خاص است. فهرست فیلم‌های ساموئل خاچیکیان نمودار مشخص و معینی از تلاش‌ها، تجربه‌ها، موفقیت‌ها و شکست‌هایی است که سینمای ایران در طول ۵۰ سال برای جذب مخاطبان به کار بسته است. در حالی که کارنامه کم‌شمار فیلم‌های آربی آوانسیان و واروژ کریم‌مسیحی در طول حضور آنها در سینمای ایران به عنوان کارگردان نشان دیدگاه‌های پیشرو و آوانگاردی است که امکان حیات آنها در سینمای ایران بسیار اندک است. برعکس ساموئل خاچیکیان که به شدت به سنت‌های روز جریان سینمایی ایران وفادار بود و حتی خالق برخی از آنهاست آربی و واروژ به شدت به شنا برخلاف جریان آب دل بسته‌اند. این تفاوت از خاستگاه‌های فکری هر سه نفر برمی‌خیزد. ساموئل خاچیکیان در فضایی وارد سینما می‌شود که در آن دوران سینمای ایران هنوز در حال تجربه اولین‌هاست، به همین خاطر ساموئل خاچیکیان با این جریان همساز می‌شود و صاحب سهم عمده‌ای از این تجربه اولین‌ها در تولید و کارگردانی می‌شود. ساموئل از تجربه‌های تئاتری در تئاتر ارامنه به یکباره وارد فضای تولید سینمایی می‌شود. اما آربی متعلق به نسل دوم هنرمندان پیشرو تئاتر ایران است. او تداوم رهاوردهای بزرگ هنرمندان پیشرویی چون عبدالحسین نوشین و شاهین سرکیسیان در فضای تئاتر کشور است. به همین خاطر هنگامی که برای اولین بار وارد جریان فیلمسازی می‌شود نتیجه‌اش ساخت «شوهر آهو خانم» (۱۳۴۷) است. گرچه این فیلم به نام داود ملاپور ثبت شده است اما سهم آربی در به ثمر نشستن تولید این فیلم متفاوت ایرانی در آن سال‌ها غیرقابل انکار است. آربی آوانسیان گرچه در تئاتر کارنامه فعال و تاثیرگذاری دارد اما در سینما فقط با فیلم بلند «چشمه» (۱۳۵۱) شناخته می‌شود. چشمه یکی از ناشناخته‌ترین و در عین حال پیشروترین تولیدات سینمای ایران در اوایل دهه ۵۰ محسوب می‌شود. رویکرد آوانسیان به سینما در این فیلم به شدت از سنت‌های تئاتری سرچشمه می‌گیرد. کار او با دوربین و روش بازی‌ها همگی نشان از دانش عمیق آربی در نمایش دارد. «چشمه» اما در زمان خود چندان ارج ندید و ناشناخته باقی ماند. برخلاف آربی، واروژ کریم‌مسیحی عصاره دو دهه فعالیت کارگردانان موج نو سینمای ایران است. واروژ حافظه همه روش‌های متفاوت کارگردانی سینمای ایران از «رگبار» تا «شاید وقتی دیگر» صاحب نقش دوم تولید آثار متفاوتی در سینمای ایران از «صبح روز چهارم و تنگنا» تا «شازده احتجاب» است. واروژ ۲۰ سال دستیاری کارگردانی کرد؛ آن هم دستیاری بیضایی، شیردل، نادری و فرمان‌آرا و سپس هنگامی که در سال ۱۳۶۹ مجال بروز خود را پیدا کرد، نتیجه‌اش عمیق‌ترین و خوش‌ساخت‌ترین درام سینمای ایران در طول سال‌های پس از انقلاب شد. واروژ در پرده آخر میراث تجربه‌های ساموئل خاچیکیان و آربی را که خود از سرچشمه‌های تئاتر ارامنه نوشیده بودند، با تجربه دستیاری کارگردانان پیشرو درهم می‌آمیزد. او از «پرده آخر» تاکنون فقط در نقش یک تدوینگر در سینمای ایران حضور داشته است. اگر افسوس و دریغ فقدان ساموئل به خاطر فوت این هنرمند است، اگر غیبت آربی از مهاجرت او به پاریس سرچشمه می‌گیرد، فراموشی واروژ کریم‌مسیحی برای سینمای ایران چه دلیلی می‌تواند داشته باشد؟ واروژ کریم‌مسیحی ساز نواخته‌نشده و کتاب دور از دسترسی است که نتیجه فراموشی این سال‌هایش پیش از هر چیزی افزایش فقر فیلمسازان فرهیخته و کارآزموده در سینمای ایران است. نام واروژ کریم‌مسیحی افسوس بزرگ سینمای ایران برای دور ماندن نتیجه همه تلاش‌های فنی و مضمونی ارامنه در تاریخ سینمای این کشور است.

بازیگری: آرمان و لرتا

در میان بازیگران ارمنی سینمای ایران آرمائیس هوسپیان (آرمان) و لرتا هایراپتیان تبریزی (لرتا) نقش بزرگی در گسترش و تعمیق روش‌های بازیگری در سینمای ایران دارند. آرمان و لرتا هر دو کارشان را با تئاتر آغاز می‌کنند. با این تفاوت که «لرتا» فارغ‌التحصیل رشته تئاتر از دانشکده مسکو است اما آرمان به صورت آماتور کار بازیگری را در باشگاه آرارات آغاز می‌کند. لرتا ستاره تئاتر است با چند حضور در سینما و آرمان ستاره سینماست، با چند حضور اندک در تئاتر. «لرتا» در سایه رویکرد متفاوت همسرش عبدالحسین نوشین به اجرای تئاتر، مجال رشد و ستاره شدن می‌یابد و آرمان در لوای رفاقت و همکاری و بازی در فیلم‌های «ساموئل خاچیکیان» به یک ستاره تبدیل می‌شود. «لرتا» بازیگری است که در نمایش‌ها به شدت اصول بازیگری «استانیسلاوسکی» را رعایت می‌کند. نقش‌آفرینی او در نمایش‌های «ازدواج به سبک ایتالیایی»، «چراغ گاز»، «اوژنی گرانده»، «شنل قرمز»، «لپن»، «تاجر ونیزی» و... گل سرسبد بازیگری در تئاتر ایران در دهه ۳۰ محسوب می‌شود. اما حضور دیرپای آرمان از سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۹ شامل اوج و فرودهای بسیاری است. او بازیگر تثبیت‌شده نقش آدم‌های منفی و خشن و پدران سختگیر محسوب می‌شود. معروف‌ترین نقش آرمان در افکار عمومی قارون در «گنج قارون» (۱۳۴۴) است و متفاوت‌ترین نقش‌اش در «چشمه» (۱۳۵۱) دیده می‌شود. لرتا را می‌توان اولین بازیگر زن به معنای خاص کلمه توصیف کرد که بازی‌اش دارای ویژگی‌های منحصر به فرد بوده است. کارنامه سینمای «لرتا» اما به هیچ وجه نشانگر اوج هنر این بازیگر در دوران تئاتری‌اش نیست به همین خاطر در کارنامه سینمایی لرتا تنها فیلم «اسرار گنج دره جنی» (۱۳۵۱) نامی به خاطر ماندنی محسوب می‌شود. «آرمان» و «لرتا» را بدون در نظر گرفتن وجه هنری و فنی فعالیت‌هایشان باید در راس فهرست بازیگرانی قرار داد که معنای واقعی بازیگری در ایران را گسترش داده‌اند.

آهنگسازان: واروژان و لوریس چکناواریان

«واروژ هاخ باندیان» و «لوریس چکناواریان» دو آهنگساز ارمنی سینمای ایران هر دو از پیشروترین آهنگسازان در تجربه و کشف راه‌های جدید همراهی موسیقی در سینمای ایران محسوب می‌شوند. واروژان متولد سال ۱۳۰۵ در تهران در سال ۱۳۵۶ هنگام ضبط موسیقی فیلم «بر فراز آسمان‌ها» ساخته محمدعلی فردین در سال ۱۳۵۶ درگذشت. زندگی هنری «واروژان» به دو بخش مجزا تقسیم می‌شود؛ فعالیت او در موسیقی پاپ و آهنگسازی برای فیلم. او در جریان موسیقی پاپ ایران در سال‌های دهه‌های ۴۰ و ۵۰ یکی از پیشروترین آهنگسازان محسوب می‌شود. دانش عمیق او که از تحصیلاتش درباره موسیقی پاپ در امریکا سرچشمه می‌گرفت به شکل گسترده‌ای در تولیداتش برای خوانندگان آن دوره هویداست. به طوری که ساخته‌های واروژان جدا از جنبه‌های غیرموسیقایی چون شهرت خوانندگان آنها، سرشار از ظرافت‌های یک آهنگساز اندیشمند است، به طوری که بنا بر گفته یک آهنگساز ایرانی واروژان آبروی موسیقی پاپ ایران در دهه ۵۰ است. کارنامه آهنگسازی واروژان برای سینمای ایران شامل ۱۸ فیلم است. اغلب این فیلم‌ها متعلق به جریان جوان سینمای ایران بود که سازندگان آنها قصد استفاده از موسیقی روز در فیلم‌هایشان را داشتند. در میان این فیلم‌ها «صبح روز چهارم» (۱۳۵۱) و «نازنین» (۱۳۵۵) نگین موسیقی‌های واروژان برای سینمای ایران محسوب می‌شوند. موسیقی «صبح روز چهارم» پس از گذشت ۳۰ سال یکی از اوج‌های موسیقی‌سازی برای فیلم محسوب می‌شود. در کارنامه آهنگسازی واروژان ساخت موسیقی مجموعه «سلطان صاحبقران» (۱۳۵۴) را باید یک تحفه بی‌بدیل محاسبه کرد. موسیقی این مجموعه که کاملاً ایرانی است آنقدر گیرا و تاثیرگذار است که با اوج‌های آهنگسازی موسیقی ایرانی برابری می‌کند. واروژان در تاریخ موسیقی ایران یک اوج ناشناخته و قله‌ای در مه باقی مانده است. «لوریس چکناواریان» برخلاف «واروژان» یک آهنگساز وابسته به جریان موسیقی ارکستری و کلاسیک سینمای ایران است. لوریس چکناواریان متولد سال ۱۳۱۶ در تهران است و تحصیلات خود را در «وین» و «میشیگان» درباره موسیقی و رهبری ارکستر پشت سر گذاشت. او رهبر چندین ارکستر بزرگ در ایران و ارمنستان است و چندین اپرای معروف از ساخته‌هایش بر اساس «شاهنامه فردوسی» او را زبانزد و معروف کرده است که معروف‌ترین اپرای او رستم و سهراب است. چکناواریان در سینما دو گروه کار مشخص دارد؛ گروه اول فیلم‌های کوتاه و مستند و گروه دوم فیلم‌های بلند سینمایی. در میان فیلم‌های مستندی که چکناواریان برای آنها موسیقی متن ساخته است، مجموعه فیلم‌های مستند «منوچهر طیاب» و «فرهاد ورهرام» درباره معماری ایرانی در دوره‌های تاریخی ایران شاخص هستند. آهنگسازی این کارها بی‌شک در سینمای مستند ایران و تولید موسیقی برای فیلم‌های مستند تاکنون تکرار نشده است. اما در میان فیلم‌های بلندی که چکناواریان برای آنها موسیقی ساخته «بی‌تا» (۱۳۵۱) و «تنگسیر» (۱۳۵۲) دو کار شاخص و مثال‌زدنی هستند. موسیقی بی‌تا در ادامه فعالیت‌های چکناواریان نشان از عمق شناخت او از موسیقی ایرانی و کاربردهای این نوع موسیقی در سینماست؛ تجربه‌ای که هرگز به شکل گسترده‌ای ادامه نیافت. موسیقی «تنگسیر» اما وجه دیگری از مهارت چکناواریان را آشکار می‌سازد؛ تسلط چکناواریان در ساخت موسیقی برای فیلم با توجه به ساخت و کارهای بومی داستان. چکناواریان برای شش فیلم بلند ایرانی موسیقی ساخته که موسیقی فیلم مستند «به امید دیدار» (۱۳۵۴) و مستند هژیر داریوش درباره «بازی‌های آسیایی» تهران در نوع خود بی‌نظیر است.

متخصصان فنی: روبیک منصوری

در میان فیلمبرداران، صداگذاران و تدوینگران ارمنی سینمای ایران روبیک منصوری یک استثنای بی‌بدیل محسوب می‌شود. روبیک منصوری متولد ۱۳۱۸ در تهران و فارغ‌التحصیل هنرستان عالی موسیقی از سال ۱۳۳۴ با دستیاری فنی «لستفان نایمن» و «حسن مصیبی» در دوبلاژ فیلم کارش را آغاز می‌کند. او در استودیوهای آژیرفیلم، پاس‌فیلم، ایران‌فیلم، شاهین‌فیلم و میثاقیه چندین استودیوی دیگر اولین ایرانی است که فعالیت صداگذاری فیلم‌ها را انجام داده است. اولین فیلم ایرانی او «توفان در شهر ما» ساخته ساموئل خاچیکیان و اولین فیلم‌های خارجی که او صداگذاری کرد «اسماعیل یاسمین جنی شده» و «ملکه آفریقا» در سال ۱۳۳۷ است. اگر در سینمای ایران بخواهیم کسی را به عنوان نماد و سمبل صدا معرفی کنیم، بی‌شک آن یک نفر روبیک منصوری است. تاکنون فهرست‌های کامل از فیلم‌هایی که روبیک برای صدای آنها کار کرده، تهیه نشده است اما بی‌شک روبیک منصوری از دهه ۳۰ تا دهه ۷۰ همراه با وسایل قدیمی و کهنه و مندرس صداگذاری در سینمای ایران پیر و فرسوده شد. او در استودیوهای صدا زمانی که هنوز افکت‌سازی به روش فعلی انجام نمی‌گرفت، با روش‌های منحصر به فردی صداهای لازم برای نماهای گوناگون فیلم‌های ایرانی را تولید می‌کرد. معروف است که او اولین کسی است که با ترکیب صداهای گوناگون، صداهای جدید می‌ساخت. از او همچنین نقل شده که در سال‌های اولیه کارش برای تولید صدای سیلی به صورت خودش جلوی میکروفن سیلی می‌زده است. حالا دیگر روبیک منصوری جایش را به نسل جدیدی از صداگذاران جوان سینمای ایران داده است ولی هرگز هیچ کس و هیچ مرجعی در ایران شاید وظیفه آن را نداشته باشد که تجربه نسل‌ها را به شکل علمی به نسل بعدی منتقل کند.

نویسندگان: روبرت آکهارت، ژاون قوکاسیان

در میان هنرمندان ارمنی یافتن نویسندگانی که به زبان ایرانی بنویسند و به همین خاطر شناخته شوند، بسیار اندک است. اما در این میان روبرت آکهارت به عنوان نویسنده و سردبیر مجله ستاره سینما و ژاون قوکاسیان مولف ۱۱ کتاب درباره سینمای ایران جایگاه قابل توجهی دارند. مجله «ستاره سینما» از دی‌ماه ۱۳۳۲ تا سال ۱۳۵۷ در دوره‌های مختلف با شکل‌ها و رویکردهای متفاوت یکی از دیرپاترین نشریات سینمایی در کشور محسوب می‌شود. ستاره سینما از خرداد ۱۳۳۳ با امتیاز «پایرور گالستیان» ادامه انتشار می‌یابد که تا آخرین شماره این امتیاز به نام «گالستیان» باقی ماند. در میان سردبیران ستاره سینما «روبرت آکهارت» از سال ۳۵ تا ۳۷ سردبیر این نشریه بود. آکهارت در کارگردانی، تهیه‌کنندگی و واردات فیلم نیز فعالیت می‌کرد. اما هیچ کدام از آثارش نتوانست او را در میان کارگردانان شاخص‌تر کند. آکهارت در سال ۱۳۷۳ در امریکا درگذشت. ژاون قوکاسیان در سال ۱۳۲۹ در اصفهان به دنیا آمد. او در دهه ۵۰ به سینمای آزاد در اصفهان پیوست که ثمره‌اش تولید چهار فیلم هشت میلیمتری است. قوکاسیان در سال ۱۳۵۲ کتابچه‌ای درباره فیلم «چشمه» ساخته آوانسیان منتشر کرد که آن را شاید بتوان اولین تجربه‌هایش برای حرکت به سمت تالیف و گردآوری مطلب درباره فیلمسازان ایرانی و ارائه به صورت یک کتاب دانست. قوکاسیان طی سال‌های دهه‌های ۵۰ و ۶۰ روزنامه‌نگاری را نیز وارد فعالیت‌های خود کرد. او از سال ۱۳۶۸ با کتاب معرفی و نقد آثار مسعود کیمیایی جریان کتاب‌های شناسنامه‌ای برای فیلمسازان ایرانی را آغاز کرد. دو کتاب درباره بهرام بیضایی، دو کتاب درباره مسعود کیمیایی و کتاب‌هایی درباره رخشان بنی‌اعتماد، بهمن فرمان‌آرا، فیلم‌های «مسافران» و «گفت‌وگو با باد» از دیگر کتاب‌های ژاون قوکاسیان محسوب می‌شوند. قوکاسیان همچنین یک شماره ویژه فصلنامه زندرود درباره سینما را سردبیری کرده است و هم‌اکنون در اصفهان سینما تدریس می‌کند. کتاب‌هایی درباره «سگ‌کشی» و «لرتا» و «تئو آنجلوپولوس» از دیگر تالیفات قوکاسیان محسوب می‌شوند که هنوز به بازار کتاب عرضه نشده‌اند.

لوریس چکناواریان

واروژ کریم‌مسیحی

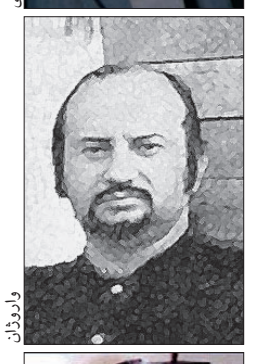

واروژان

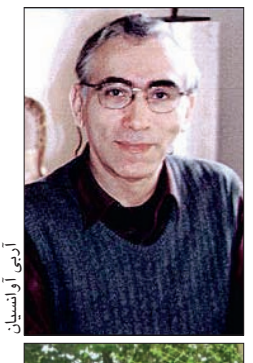

آربی آوانسیان

ژاون قوکاسیان